

اسکار نیمیئر

گفتگو با یک کمونیست صدساله

روزنامه «سوتسکایا راسیا»، ترجمه ا. م. شیزلی

ساختن پایتخت کشور را به وی سپردند و او، قلب برزیل مدرن را ساخت. "اسکار نیمیئر" دیگر علاقه ای به مصاحبه ندارد. اما، این کمونیست برزیلی، آرشیکت خوش قریحه و چهره شناخته شده زمان خویش، بمناسبت یکصدمین سال تولدش استثنائاً، با ما مصاحبه ای کرد. او، در باره زندگی، دین، کمونیسم و معماری مدرن با ژوزه ورسیمو **تخیرا دا ماتا**، خبرنگار ویژه مجله «مسائل اندیشه» در برزیل، صحبت کرد.

- شما، کمونیست، و کلیسای جامع ترنونتسا، یکی از زیباترین و بهترین بناهای برزیل را ساختید. کلیسای جامع دو جهان، یکی از آخرین طرحهای با اهمیت شما محسوب می شود. اعتقادات مارکسیستی شما، چگونه با دین سازگاری می کند؟

- اعتقادات مارکسیستی من امروز محکم تر و عمیق تر از هر زمانی است. کمونیسم را با قهرمانی های خلق های روسیه درک می کنم و از آن الهام می گیرم. البته که، من این باورهای سیاسی-ایدئولوژیک خود را در تضاد با هنر معماری ام در ساختن معابد نمی بینم. من به خدا ایمان ندارم، ولی، به مؤمنان احترام می گذارم. من از یک خانواده کاتولیک متعصب برخاسته ام (در منزل ما، عکس پاپ رم از دیوار آویخته است). اما، من در سنین جوانی، به علل بی عدالتی ها و نابرابری های اجتماعی پی بردم و به صفوف سازمان «نجات سرخ» پیوستم و پس از آن به عضویت حزب کمونیست برزیل درآمدم و این، گام درستی بود.

- زمانی، شما گفتید: «من نابغه نیستم. من در خلاقیت های خود، از نبوغ رادچنکوی پیشرو، الهام گرفتم». حاضرید اکنون هم آن را تأیید کنید؟
- من الان فکر می کنم در این ارزیابی، کمی اغراق شده است. من دقیق نمی دانم در عالم معماری، چه کسی نابغه است.

- شاید برزیل، مشهورترین طرح معماری شماست. در مسیر گذشت زمان از آن لحظه، وقتی که آرزوهای شما جامه عمل می پوشند، می توانید بگوئید که، حاضرید شهر دیگری مثل آنچه که ساخته اید، بسازید؟ یا ممکن است شهر کاملاً دیگری بسازید؟ آیا بنظر شما، برزیل شهر ایده آلی است؟

- برزیل تصویر اشتیاق های پرشوری است که در سال های ۵۰، کشور را فرا گرفته بود. این شیفتگی ها، با شخصیت رئیس جمهور "ژوسلین کوبیچک" وابستگی ناگسستنی داشت. بنیانگذاری پایتخت جدید، اقدام شجاعانه ای بود که اراضی وسیع داخل برزیل را به هم پیوند می دهد. بعد از گذشت ۴۰ سال، برزیل به محل تصادم متروپل سرمایه داری تبدیل شده است و با همان مشکلاتی مواجه شده است که، دیگر شهرهای کشور، در نتیجه اشتباهات مربوط به گزینش راه رشد اقتصادی برزیل، با آن دست به گریبان است. بدین جهت، برزیل شهر ایده آل من نیست.

- شما انتقال پایتخت به مرکز جغرافیائی کشورتان را چه حد درست می دانید؟ مثلاً، روسیه، آیا ارزش آن را دارد که، پایتخت خود را به مرکز جغرافیائی خود منتقل نماید؟
- اقدام به بنای شهر برزیل گام شجاعانه ای بود که رئیس جمهور کوبیچک برداشت. من، برای دادن جواب سؤال شما، در رابطه با روسیه، اطلاعات کافی ندارم. متأسفانه، من مدت کوتاهی، بعد از پایان جنگ دوم جهانی در مسکو بودم.

شما، معماری امروزی را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا در سمت درستی به پیش می رود؟
 کار معماران جوان را در چه سمتی علاقمندید ببینید؟

- من از همتایان خود انتقاد نمی کنم. من فکر می کنم، معماری امروزی در چند جهت حرکت می کند، به همین سبب انتقاد از آن هم مشکل است. در رابطه با معماران جوان، من همچنان از دو خط اصلی دفاع می کنم. اول: آن هنر معماری را که برای تحقق خلاقیت خود در جستجوی شیوه های نوین معماری است. دوم: امکانات نامحدود کار با بتون آرمه وجود دارد. چرا نباید در جهت یافتن راه های دیگری برای ساختن مروارید تازه بود؟

- آیا در حال حاضر، طرحی در دست تهیه دارید؟

- من طرح های تازه زیادی در برزیل و خارج از آن در دست دارم. فقط به دو مورد از آنها که، علاقه زیادی به آنها دارم، اشاره می کنم. مرکز فرهنگی طراحی شده آویل در اسپانیا و مرکز اداری دولتی ایالت میناس ژیرایس که در مرکز آن ایالت، در شهر آریزونتای آبی (Blou) احداث خواهد شد. من تمام ذوق و قریحه خود را در این طرح ها و همه طرح های دیگر بکار گرفته ام. همه آنها را با عشق و علاقمندی تدوین کرده ام.

- اگر در سطح وسیع تری به مسئله نگاه کنیم، شما می خواهید نظرتان را در مورد سمت و سوی حرکت تمدن امروزی در جهان بیان دارید؟

- به نظر من، سازندگی باید منعکس کننده عقیده و عمل در جهت مخالفت با روابط غیر هومانیتی بر علیه انسان و در سمت مخالفت با بی عدالتی های اجتماعی باشد. در یک کلام، باید پشتیبان و مسئول باشد، با مطالعه کلاسیک های روس، داستایوسکی و تولستوی، آنچه را که به وضوح می بینیم، انعکاس دهد.

از سوی دیگر، من فکر می کنم که فعالیت در عرصه فرهنگی، باید رابطه تنگاتنگی با تلاش در جهت بلوغ انسان و ساختن دنیای عادلانه و همبسته در شرایط بهبود کیفی آگاهی ها داشته باشد. این مسئله ایست که من نگران آن هستم. فارغ التحصیلان مؤسسات آموزش عالی کشور من، بدون اینکه درکی از مشکلات زندگی داشته باشند، آنجا را ترک می کنند. ما نیازی به متخصصانی که اطلاعات آنها فقط به رشته تخصصی خودشان مربوط می شود، نداریم. ضرورتاً، جوانان باید به مبارزه برای جهانی بهتر و عادلانه تر تربیت شوند. در این باره من در کتاب خود با نام «انسان و زندگی»، که بزودی چاپ خواهد شد نوشته ام.

راه توده ۱۴۰ ۱۶,۰۷,۲۰۰۷